



پیشنهاد تشکیل فرهنگستان حقوق به عنوان مرجع تنقیح

مصاحبه با

استاد دکتر ناصر کاتوزیان

استاد ممتاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

❖ به عنوان اولین سؤال منظور از کدیفیکاسیون چیست؟ و هدف و کارکرد آن کدام است؟

منظور از کدیفیکاسیون که لغتی خارجی است جمع آوری قوانین هماهنگ است، قوانینی که هر یک در مقام تفسیر می‌توانند روی دیگری سایه بیندازند. گردآوری این قوانین در مجموعه‌هایی [مدون] باعث می‌شود که طرز تفسیر و تشخیص اینکه قانون حاکم چیست کاملاً معلوم گردد. آنچه که به بخش دوم سؤال هم بر می‌گردد در خصوص این که منظور از کدیفیکاسیون چیست، در همان بخش اول پاسخ اشاره شد؛ قانون هماهنگی که یک موضوع حقوقی را احاطه می‌کند و در واقع مثل اعصاب و گوشتی است که استخوان را احاطه می‌کند مثلاً فرض کنید راجع به خانواده به عنوان یک نهاد، تمام مقرراتی که مربوط به این موضوع است، بگوئیم مجموعه‌ای وجود دارد که این موضوع خاص را احاطه می‌کند و در این مجموعه بایستی هماهنگی وجود داشته باشد تا بتواند نظم را برقرار کند اگر بنا باشد ماده‌ای چیزی بگوید و ماده دیگر آن بیانی دیگر و با هم تعارض داشته باشند یا همخوانی و هماهنگی نداشته باشند نظم آن نهاد از بین می‌رود. در واقع هدف از

کدیفیکاسیون جمع آوری تمام قوانینی است که یک موضوع اجتماعی و حقوقی را در بر می‌گیرد، جمع اینها را می‌گویند 'سازمان' (مجموع امور و مقرراتی که «احاطه» کرده) مثل سازمان ارث، سازمان مالکیت، سازمان خانواده و سازمان مسؤولیت مدنی و ...

در قدیم کدیفیکاسیون یعنی جمع آوری مجموعه‌ها را هم به قانونگذار واگذار می‌کردند، یعنی قانون مدنی جداگانه، قانون آئین دادرسی مدنی جداگانه، قانون معاملات خارجی و امثالهم جداگانه جمع آوری می‌شدند و همانطور که در مجلس تصویب می‌گردید کدیفیکاسیون می‌شد ولی این کار درست نبوده و نیست. قانون مدنی مجموعه‌ای است که به تصویب مجلس رسیده، ولی بسیاری از قوانین دیگر هم هست که [موضوعاً] مربوط به این مجموعه است اگر ما اینها را در یک مجموعه گردیم نیاوریم دور هم جمع نکنیم هدف از

ایجاد مجموعه درست برآورده نمی‌شود. مثلاً فرض کنید در مورد تقسیم ترکه، قانون امور حسبی یک مقرراتی دارد که مربوط به امور مدنی است. قانون معادن از قانون مدنی جدا شده و یک قانون خاص دارد، قانون آبها به همین نحو (قانون ملی شدن آبهای مباح یک قانون خاص دارد)، اگر اینها را دور هم جمع

در واقع هدف از کدیفیکاسیون جمع آوری تمام قوانینی است که یک موضوع اجتماعی و حقوقی را در بر می‌گیرد، جمع اینها را می‌گویند 'سازمان' مثل سازمان ارث، سازمان مالکیت، سازمان خانواده و سازمان مسؤولیت مدنی و ...



نکنیم و همه را یک جا تدوین نکنیم هدف از کدیفیکاسیون یا جمع‌آوری مجموعه‌های قوانین به دست نمی‌آید. من برای نمونه یکی از اینها را به صورت قانون مدنی جمع‌آوری کرده‌ام و اسم آن را تحت‌عنوان «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی» نامگذاری کرده‌ام، این اثر فقط [شامل] مجموعه‌های که به تصویب مجلس رسیده است نیست، بلکه تمام قوانینی که مربوط به حقوق مدنی می‌شود چه در مجموعه قانون مدنی باشد و چه در سایر مجموعه‌های قوانین گردآوری شده و دور هم جمع می‌شود.

❖ با توجه به صحبت‌های شما و با توجه به رویه‌هایی که در کشورهای دیگر مستقر است، خصوصاً با توجه به مجموعه «قانون مدنی در نظم حقوق کنونی» آیا در کدیفیکاسیون از دیدگاه شما دکتترین هم وارد شود یا خیر؟

خیر، [در اثر مورد اشاره] مواد قانون را آورده‌ام و بعد از آنها رویه‌های قضایی و دکتترین مسلمی که وجود دارد و یا اختلاف نظرهایی که موجود است را هم آورده‌ام و ذیل قوانین نوشته‌ام که [مجموعه] اینها در واقع حقوق کشور است. در حالی که در کدیفیکاسیون محض دیگر اینها را نمی‌نویسند، ولی آرایایی که به صورت تقریبی بنیان قانون است، مثل رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور، که برای همه دادگاهها الزام‌آور است در ذیل قانون می‌آورند.

❖ به نظر شما آیا کدیفیکاسیون معادل همان اصطلاح مرسوم تنقیح قوانین و مقررات است؟

در خصوص این سؤال که آیا تنقیح و کدیفیکاسیون با هم تفاوت دارند یا نه، البته از نظر [مفهوم] با هم فرق می‌کنند؛ کدیفیکه کردن یعنی جمع‌آوری، گردآوری و به اصطلاح آوردن قوانین مشابه در زیر یک مجموعه، ولی تنقیح در واقع در درون این مجموعه قانون حاکم را تشخیص دادن است. مثلاً فرض کنید یک قانون مجمل است، قانونی مبین، قانونی خاص و یک قانونی دیگر عام است. یک قانون را قانونی دیگر نسخ کرده است، تشخیص این موارد مربوط به تنقیح قوانین است. بنابراین یک کدیفیکه خوب، تنقیح را هم در درون خود دارد

ولی معلوم نیست در کدیفیکه، تنقیح هم باشد. ممکن است در یک قانون مجزا این که این دو مفهوم با هم دیگر ارتباط دارند و در عین حال دو مفهوم هستند، به این ترتیب که هر تدوین مجموعه یا codification اگر بخواهد کامل باشد باید همراه با تنقیح باشد ولی تنقیح، مطلب دیگری است.

❖ در بررسی دو نظام عمده حقوقی دنیا دیده می‌شود، در کشورهای کامن‌لا تنقیح را بیشتر معادل Conslodation و در کشورهای رومی - ژرمنی بیشتر معادل Codification به کار می‌برند. براساس دیدگاه شما به طور مشخص کدامیک از این دو تعبیر صحیح است و مراد از تنقیح کدام یک از این موارد است؟

آن نظم و ترتیبی که در کشورهای حقوق نوشته وجود دارد در کشورهای کامن‌لا وجود ندارد. آنها همانطور که از کیس‌های مختلف قوانین را استخراج می‌کنند، از قوانین مختلف نیز به صورت پراکنده بر همین منوال عمل می‌کنند و جدیداً نهضتی درست شد مثل Union Commercial Law. نقاط مشترکی را از بین مقررات تجاری تهیه می‌کنند و اینها را به صورت قانون برای تصویب به پارلمان می‌دهند در واقع این امر این دو سیستم را به هم نزدیک می‌کند. در کشورهای حقوق نوشته در کدیفیکاسیون قوانین را فقط جمع می‌کنند اما در اینجا هم برای این که خود را به سیستم کامن‌لا نزدیک کنند آراء دادگاهها را هم زیر آن می‌نویسند تا معلوم شود این قانون در عمل به چه ترتیب اجرا می‌شود. من به ندرت دیده‌ام که قانونی را بدون آنکه رویه قضایی و دکتترین را در زیر آن بنویسند فقط جمع‌آوری کنند.

بطور کلی تشکیل قانون حاکم است در جایی که چند قانون با هم تعارض دارند. در جایی که یک قانون حاکم است و یک قانون خاص وجود دارد. تشخیص عام و خاص، مجمل و مبین، نسخ شده و ... است. مثل اینکه یک وقت تمام مواد قانون را بریزید در یک مجموعه یک وقت هم تشخیص می‌دهد و می‌گوید این قانونی که من گذاشتم اینجا قانون سابقش آن بوده که نسخ شده و الآن این قانون حکومت می‌کند.

❖ به نحوی می‌شود گفت که مستلزم

تفسیر هم است؟
ضرورت دارد. بله.

❖ با توجه به این صحبت‌ها می‌توان گفت که عناصر تنقیح قوانین چیست؟

عناصر تنقیح قوانین خود عبارتند از اینکه اولاً، تمام قوانینی که یک نهاد خاصی را احاطه کرده جمع‌آوری شود و به آن کدی که در مجلس تصویب شده اکتفا نشود و همه قوانینی که به آن مربوط می‌شود جمع‌آوری شود. ثانیاً، در درون این مجموعه‌ای که درست شده قوانین مشابه یکجا گفته شود قوانینی که یکی ناسخ دیگری است (معارض) مشخص شوند و معلوم شود که کدام یک حاکم بر دیگری است. و از آنجایی که مجمل و مبین هم وجود دارد باید معین شوند و قانونی که الآن قرار است اجرا شود و حتی وقتی که مجموعه‌ای تنقیح شده به

در خصوص این سؤال که آیا تنقیح و کدیفیکاسیون با هم تفاوت دارند یا نه، البته از نظر مفهوم با هم فرق می‌کنند؛ کدیفیکه کردن یعنی جمع‌آوری، گردآوری و به اصطلاح آوردن قوانین مشابه در زیر یک مجموعه، ولی تنقیح در واقع در درون این مجموعه قانون حاکم را تشخیص دادن است.

دست خواننده می‌رسد او بداند که چه اتفاقی افتاده است و سابقه‌اش چه بوده است.

❖ سؤال بعد اینکه شیوه‌های تنقیح قوانین چیست؟

شیوه‌ها و روش‌هایی که در کشورهای مختلف برای تنقیح به کار می‌رود تا چه اندازه با نظام قانونگذاری آن کشورها تناسب دارد؟

حتماً تناسب دارد. در نظام حقوق نوشته چون قانون حاکم است و قاضی مجری، تکیه بر جمع‌آوری قوانین است. در کشورهای کامن‌لا، قانون جنبه استثنایی دارد و آراء دادگاهها، قانون ایجاد می‌کنند و تمام دادگاه باید از آنها حمایت کنند، در استخراج قواعد از این آراء بر آن تکیه می‌کنند و قوانین را هم به آن ضمیمه می‌کنند. در آخر که [مجموعه قوانین] تهیه شد هر دو

شبهه به هم می‌شوند اما اینکه تکیه بر روی چه باشد. بر آراء دادگاه‌ها یا بر قوانین، از این جهت کشورها تفاوت می‌کنند.

❖ لوازم یک تنقیح خوب چیست؟ چه شرایط و مقتضیاتی باید فراهم باشد تا بتوانیم یک تنقیح خوب داشته باشیم؟

یک تنقیح خوب آن تنقیحی است که به طور روشن قانون حاکم را به خواننده ارائه کند و هنگامی که او به جستجو می‌پردازد در جستجوی خود کامیاب باشد. می‌داند حقوق هر کشور در متون قوانین خلاصه نمی‌شود. در عرف، در رویه قضایی و در دکتترین هم هست. اگر مجموع همه اینها ارائه شوند خیلی بهتر می‌تواند نمایشگر تمام حقیقت باشد چون بسیاری از قوانین هستند که مکتوبند و در

البته کسانی که قوانین را جمع می‌کنند لازم نیست حتماً حقوقدان در سطح اول باشند، اما کسانی که قوانین را تنقیح می‌کنند یا رویه‌ها و دکتترین‌ها را می‌خوانند و به آن اضافه کنند باید متخصصین درجه اول [حقوق] باشند. شاید بتوان گفت که کار یک نفر هم نیست، بر روی هر مجموعه‌ای بایستی حداقل چند متخصص کار کنند تا کامل شود.

کتاب‌ها موجود است ولی اصلاً عمل نمی‌شوند، قانون زنده، قانونی است که در دادگاه‌ها اجرا می‌شود. بنابراین آراء دادگاه جزء ضمانت جدا نشدنی از حقوق است، و تازه آراء دادگاه‌ها نیز بایستی ارزیابی کرد و این ارزیابی توسط دکتترین انجام می‌شود. یعنی استادان حقوق و متخصصین اظهار نظر می‌کنند و این اظهار نظرها خود یکی از منابع حقوق است.

اگر هدف از کدیفیکاسیون این باشد که فقط قوانین را جمع‌آوری و دسته‌بندی کنیم مفید است، ولی اگر هدف آن باشد که یک پرده نمایشی از حقوق واقعی کشور ارائه کنیم بدون رویه قضایی و بدون دکتترین، ناقص است.

❖ بر این اساس طبیعتاً اشخاص خاصی باید این گونه کارها را انجام دهند. یعنی

❖ نمی‌توانیم بگوییم که تنقیح قوانین کار هر کسی می‌تواند باشد؟

بله باید حتماً حقوقدان باشند. البته کسانی که قوانین را جمع می‌کنند لازم نیست حتماً حقوقدان در سطح اول باشند، اما کسانی که قوانین را تنقیح می‌کنند یا رویه‌ها و دکتترین‌ها را می‌خوانند و به آن اضافه کنند باید متخصصین درجه اول [حقوق] باشند. شاید بتوان گفت که کار یک نفر هم نیست، بر روی هر مجموعه‌ای بایستی حداقل چند متخصص کار کنند تا کامل شود. مثلاً فرض کنید در مورد قوانین تجاری یک نفر در امر شرکتها متخصص است و کسی دیگر در ورشکستگی، اگر هر دو این موضوعات را برعهده یک نفر بگذاریم قسمتی از آن ناقص می‌شود. اکنون تخصص‌ها در اندازه‌ای دقیق شده است که انتظار نمی‌رود یک نفر همه چیز را بداند. آنچه که در سابق می‌گفتند کسی که هم معقول می‌داند هم منقول، جامع المعقول و المنقول است امروز پیدا نمی‌شود و هرکس در یک قسمتی تخصص دارد. باید این کار توسط یک گروه انجام شود اما می‌تواند تحت نظارت یک استاد مثلاً با سابقه‌ترین انجام شود. به طور مثال، «قانون خانواده فرانسه» را که می‌خواستند بنویسند - البته تدوین قانون هم شبهه کدیفیکاسیون است - اول عده‌ای مأمور شدند تمام قوانین کشورهای اروپایی در مورد امور خانواده را جمع‌آوری کنند. عده‌ای دیگر از جامعه‌شناسان مأمور شدند که بررسی کنند که کدام یک از این قوانین با جامعه فرانسوی تطبیق بیشتری دارد، سپس گزارش هر دو گروه پیش استادی برجسته به اسم «کاربونی» رفت و او شروع به نوشتن قانون کرد، بعد از آن به مجلس رفت و تازه در کمیسیونهای مجلس مطرح گردید، اینگونه است که قوانین بصورت دقیق تدوین می‌شوند.

❖ به نحوی تجدید تصویب و قانونگذاری؟

بله، اینگونه نیست که یک نفر در خانه خود بنشیند و قانون بنویسد. آن قوانین مثل قوانین ما می‌شود که هر روز باید تغییر کند، قانونی که پایه دارد باید مبتنی باشد بر اظهار نظرهای جمعی که در این کار تخصص دارند.

❖ به این ترتیب شما تجدید تصویب را هم جزئی از تنقیح می‌دانید؟

خیر، شبهه آن است، من می‌خواهم بگویم این پروسه‌ای که در تصویب هست باید در تنقیح هم وجود داشته باشد و گروه‌هایی هم در این زمینه اظهار نظر کنند.

❖ به این ترتیب وقتی که نیازمند یک گروه باشد نیازمند تشکیلات هم هست؟

بله، حتماً. سابق بر این هم قبل از انقلاب، اداره‌ای به نام «اداره تنقیح قوانین» وجود داشت، مدتی کوتاه هم از من دعوت کرده بودند و من می‌رفتم. در آنجا بحث می‌شد اما در آن کمیسینی که من می‌رفتم شیوه‌های کلی مطرح می‌شد. اما آنهایی که تنقیح می‌کردند عده‌ای متشکل از حقوقدان و غیرحقوقدان بودند، ولی اینکه بخواهند مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ قانون را تشخیص دهند کار همه‌کس نیست. آنجا هفت - هشت نفری بودند که مأمور تنقیح بودند و اینکه قانون حاکم را تشخیص دهند.

❖ آیا بیم این وجود ندارد که تشکیلاتی که می‌خواهد تنقیح را انجام دهد نقش قانونگذار ثانویه را بازی کند؟

نه، برای اینکه چیزهایی که آنها تهیه می‌کنند برای دانشمندان و اجراکنندگان قانون و حتی برای قضات اجباری نیست. فقط یک راهنما و کمک است و بر آنها حکومت نمی‌کند. مگر قانونی که من تهیه کردم قضات مجبورند اجرا کنند؟ ولی نکته‌ای که وجود دارد آن است، که روی آنها نفوذ اصلاحی دارد و کمک می‌کند مثلاً کاری که آنها باید ظرف یکسال انجام دهند من هشت نه ماه آن را انجام دادم و در اختیار آنها گذاشتم فقط از این جهت مؤثر است.

نکته‌ای هم که بهتر است در اینجا به آن اشاره کنم اینکه کدیفیکاسیون لغت خوبی نیست من برای اینکه تفهیم و تفاهم حاصل شود این لغت را به کار بردم والا غیرممکن است که خودم از واژه کدیفیکاسیون استفاده نمایم، زبان فارسی خیلی قوی است.

❖ چون علت این کاربرد بیشتر از آنجا بود که ذکر شد لزوماً کدیفیکاسیون به معنای تنقیح قوانین نیست؟!

❖ علاوه بر استقلالی که این سازمان باید داشته باشد، من از صحبت‌های شما اینگونه استنباط می‌کنم که این سازمان به نحوی تضمین‌کننده حقوق مردم هست. اگر این سازمان تشکیل شود چه ویژگی‌ای دیگر باید داشته باشد؟

این سازمان به چند صورت می‌تواند تشکیل شود. یکی به صورت اداری است که وابسته به جایی مثل قوه قضاییه، ریاست جمهوری یا امثال آنهاست. یک وقت هم ممکن است به صورت انستیتو یا به اصطلاح یک فرهنگستان حقوقی تشکیل شود و یک سری نخبگان را انتخاب کنند که این نحوه تشکیل نفوذ معنوی بیشتری

این سازمان بررسی شود [بسیار مفید است] در حال حاضر هم با کامپیوتر خیلی ساده می‌توان این کار را انجام داد.

❖ به این ترتیب از تصویب یک قانون مجدد در چند سال آینده هم جلوگیری می‌کند؟
بله، حتماً. مثلاً در اصلاحاتی که روی قانون مدنی انجام داده‌اند بعضی از مواد آن را حذف کرده‌اند و هیچ چیز هم به جای آن نگذاشته‌اند. این حذف مواد خیلی معنی دارد، به معنای نسخ هست، اما به معنای نسخ قانون معارض آن نیست مثلاً رشد را حذف کرده‌اند ولی الآن قضاات به یک قانون که مربوط به معاملات است

بله می‌توانیم بگذاریم جمع‌آوری، تدوین و تنقیح قوانین.

❖ از این بحث کلامی که بگذریم با توجه به صحبت‌هایی که شما فرمودید آیا الزامی وجود دارد که این سازمان وابسته به هر یک از قوای حکومت باشد؟ یا می‌تواند سازمان مستقلی بوده و به نحوی و نفوذی بر روی قوای حکومت داشته باشد؟

البته به عنوان یک اصل اگر به طور غیرمستقیم اداره شود بهتر است، چون می‌دانید دولتها در تدوین و تفسیر قوانین مطابق میل خودشان منافی هم دارند. اگر این یک نهاد بی‌طرفی



تنقیح قوانین تداخلی با وظیفه تقنینی قانونگذار ندارد چرا که مواردی که تنقیح‌کنندگان تهیه می‌کنند برای دانشمندان و اجراکنندگان قانون و حتی برای قضاات اجباری نیست. فقط یک راهنما و کمک است و بر آنها حکومت نمی‌کند. مگر قانونی که من تهیه کردم قضاات مجبورند اجرا کنند؟ ولی نکته‌ای که وجود دارد آن است، که روی آنها نفوذ اصلاحی دارد و کمک می‌کند مثلاً کاری که آنها باید ظرف یکسال انجام دهند من هشت نه ماه آن را انجام داده‌ام و در اختیار آنها گذاشته‌ام فقط از این جهت مؤثر است.

درد تا آن که به صورت یک اداره باشد. ایرادی که به فرهنگستان ما وارد است این است که همه شعبه‌ای دارد غیر از حقوق. در حالی که مهم‌ترین رشته حقوق است. این رشته را زیر شاخه علوم انسانی آورده‌اند که آن هم بیشترش ادبیات و فلسفه است. حقوق نه در جایی نماینده دارد و نه به آن پرداخته می‌شود. اصلاً شاخه‌ای از فرهنگستان می‌تواند به تنقیح قوانین اختصاص داده شود.

❖ آیا واژه‌گزینی حقوقی نیز یکی از مشکلات در همین راستاست؟

بله وقتی کار نشود هرکس لغتی استعمال

استناد می‌کنند و این سؤال پیش می‌آید که آیا با حذف آن ماده، منظور نسخ این قانون هم بوده یا نه؟ اینها مسائل بسیار دقیقی است. به اینکه چند نفر بگویند فلان مواد حذف شده است، چیزی درست نمی‌شود و اشکالات زیادی پیش می‌آید و قضاات در می‌مانند، وقتی هم که قضاات در بمانند رویه‌ها مختلف می‌شود، وقتی هم که رویه‌ها مختلف شد باعث می‌شود مردم در مقابل قانون احساس تساوی نکنند یکی در یک شعبه نظری می‌دهد و دیگری در شعبه دیگر نظری متفاوت می‌دهد، این امر هماهنگی نظام حقوقی را به هم می‌ریزد.

باشد، نفوذ معنوی‌اش بسیار زیادتر از هنگامی است که ریاست جمهوری، قوه قضاییه یا یک وزارتخانه آن را تهیه کند باید یک سازمانی باشد که مجموعه‌ای از قضاات، وکلا و استادان در آن شرکت داشته باشند و این افراد نیز با دقت بسیار انتخاب شوند. حتی لوایحی هم که از طرف دولت قرار است مطرح شود، می‌توانند اول بدهند به این سازمان و این سازمان ببیند که با زمینه‌هایی که قبلاً وجود داشته، مطابقت یا مخالفت دارد، بسیاری از قانونگذاران ما نمی‌دانند که سابقه قانون چه بوده و هر چه به ذهنشان بیاید تصویب می‌کنند، بعد و در مرحله اجرا این قانون در دادگاهها می‌آید ولی اگر در

می‌کند مثلاً لغت انستیتوسیون را هرکس یک چیزی ترجمه می‌کند، یکی نهاد ترجمه می‌کند، یکی سازمان یکی تأسیس، در حالی که هر کدام از اینها یک معنای خاص دارد.

❖ با توجه به تمام این موارد موقعیت فعلی تنقیح قوانین و مقررات را در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

الآن که یک جور در هم ریختگی برقرار است و انسان نمی‌داند که قانون حاکم چیست. قوه قضاییه جدیداً مجموعه‌هایی را منتشر کرده که اوضاع را نسبتاً بهتر کرده است. الآن ۲ جلد در مدنی و تجارت چاپ کرده‌اند و همچنین کیفری هم به صورت جدا چاپ شده است. البته به آن صورت که باید و شاید تدوین علمی نیست. هنوز انسان ساده نمی‌تواند قانونی را که به آن احتیاج دارد پیدا کند. الآن، زمان مورد اهمیت است، زمانی نیست که آدم برای پیدا کردن یک قانون ۳ ساعت بگذرد ببیند آیا در آن حروف اعلمی که مورد توجه من هست مورد توجه گردآورنده هم هست یا نه؟ کجا گذاشته؟ اسناد سجلی را در مبحث اسناد گذاشته‌اند یا در مبحث سجلی اینها باید از بین رود و یک قالب کاملاً شناخته شده‌ای پیدا کند و این امر مستلزم آن است که در فرهنگستان شاخه‌ای به حقوق بپردازد. قبل از اینکه شما این سؤال را از من کنید البته به این امر فکر نکرده بودم ولی الآن فکر می‌کنم فرهنگستان حقوق به کمک دانشکده‌های حقوق و قوه قضاییه شاید نقطه امیدی باشد برای اینکه حقوق ما را از این در هم ریختگی جدا کند.

❖ می‌شود اینگونه ترسیم کرد که این فرهنگستان حقوقی که وظیفه تنقیح قوانین و مقررات را برعهده می‌گیرد، در جهت استقلال خود به دانشکده‌های حقوق تکیه داده باشد و به نحوی نیز نماینده‌های قوای حکومت هم در آن شرکت داشته باشند؟

به نظر من می‌شود این کار را کرد که در دانشکده‌های حقوق، شورای عمومی استادان بتوانند عده‌ای را برای این کار انتخاب کنند، قوه قضاییه و کانون و کلا هم نمایندگان معرفی نمایند و مجموعه اینها فرهنگستان حقوق را تشکیل دهند، اما اگر اینگونه باشد که وزیر علوم

بخواهد یک عده را انتصاب کند، خاصه خرجی می‌شود، هر انتخابی بهتر از انتصاب است.

❖ در پایان در صورتی که مطالب دیگری در این خصوص به نظر تان می‌رسد یادآوری نمائید؟

مطلبی وجود دارد و شما هم اگر می‌توانید به گوش عده‌ای برسانید.

مطلب آن است که این تحقیری که در کشور ما به رشته و علم حقوق می‌شود عواقب بسیار خطرناکی دارد. الآن در بسیاری از دانشگاهها هم دولتی و هم آزاد، حقوق زیر مجموعه علوم انسانی و یا حتی علوم اداری است و یک دیپارتمان تق و لقی به حقوق اختصاص دارد.

اگر شما نگاه کنید به کشورهای دیگر الآن در آمریکا کسانی که می‌خواهند به دو رشته طب و حقوق بروند باید قبل از آن یک دانشکده را گذرانده باشند. حتی بهترین کسانی که از دبیرستان می‌خواهند بروند دانشگاه را لایق این نمی‌دانند که بروند حقوق بخوانند و در درس حقوقی نیز هیچ چیز خارجی نبوده و نیست فقط حقوقی است. کسی که بخواهد فوق لیسانس حقوق بخواند باید لیسانس حقوق داشته باشد یک لیسانس تاریخ حق ندارد فوق لیسانس حقوق بخواند. در کشور فرانسه همین طور است، اصلاً دانشگاه حقوق درست شده است. درد دل اصلی من این است که بهای بیشتری باید به رشته حقوق داده شود. الآن تمام مسائل این مملکت و جارو جنگالی که دربارها آنها هست همه مسائل حقوقی است. درست است که مملکت رو به تکنولوژی می‌رود مهندسی هم اهمیت دارد طب هم اهمیت دارد ولی آن چیزی که در جامعه تمام این تکنیک‌ها را به هم مربوط می‌کند حقوق است. ما این رابطه را فراموش کرده‌ایم و می‌پردازیم به اینکه مهندس درست کنیم. مهندسی که به صورت پیچ یک کارخانه در می‌آید اصلاً نمی‌داند که در چه جهانی زندگی می‌کند و جامعه‌اش را نمی‌شناسد به چه دردی می‌خورد یا اقتصاددانی که نمی‌داند آثار قواعد حقوقی بر اقتصاد چیست به چه دردی می‌خورد؟

ماده‌المواد اینجاست. حالا چون ما در این رشته هستیم اگر حرفی بزنیم می‌گویند تعصب به خرج می‌دهی اما آیا واقعیت غیر از این است. لیسانس حقوق شدن خیلی آسان است، اما حقوقدان شدن خیلی مشکل است. چیزی که

اتم را می‌شکافند یا سیارات را نگاه می‌کند به نظر خیلی دهن پرکن است، اما واقعاً دقایقی در کار حقوق است که از آنها هم مشکل تر است. یعنی همانقدر باید زحمت کشید ولی خوب، خیلی افراد یکدستی و یکنواختی رشته حقوق را می‌گیرند.

❖ استاد از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید بسیار سپاسگذارم.

من هم برای شما آرزوی موفقیت می‌کنم.